

زیبا جلوه‌هایی از سبک زندگی فاطمی

سعید سلیمانی^۱ / علی سلیمانی^۲

چکیده

تاریخ، تا به حال شاهد مکارم اخلاقی بس شگفت از اولیای الهی بوده است. ولی در دنیای امروز بحث اسوه پذیری از سبک زندگی اولیاء الهی، مواجه شده با مکاتب گوناگون فکری در دنیای مدرنیته و پست مدرن که در پی انسان محوری به جای خدا محوری هستند. علم ورزی نوین منابع معرفت را در تجربه خلاصه می‌کند و خود را محروم از منابع معرفتی یعنی وحی، عقل و شهود می‌کند. با این همه اسلام ناب با منابع معرفتی که در اختیار دارد در صدد است تا انسان‌ها را به سوی کمال مطلق و نور مطلق هدایت کند و در این مسیر از اصل اسوه‌پذیری و الگوپذیری غافل نبوده است و اسلام ناب با منابع معرفتی که در اختیار دارد در صدد است تا انسان‌هایی به عنوان اسوه و الگو معرفی شوند. در قرآن نیز انسان‌هایی به عنوان اسوه و الگو معرفی شده‌اند. اما آنچه به عنوان هدف مشخص در این نوشته دنبال می‌شود الگو بودن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان یک انسان معصوم و مورد انتخاب از طرف خداوند متعال است. پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است که اهمیت اسوه‌پذیری از سبک زندگی فاطمی اولین دستاور این پژوهش است که جهت‌گیری بحث را با دنیای مدرنیته مشخص می‌کند.

واژه‌های کلیدی: اسوه‌پذیری، جلوه‌ها، سبک زندگی، حضرت فاطمه علیها السلام.

۱. فارغ التحصیل سطح چهار فقه و اصول و دانش پژوه سطح چهار موسسه حوزوی امام رضا علیه السلام، قم.

۲. دانش پژوه حوزه علمیه، مدرسه امام حسن مجتبی علیه السلام، قم.

مقدمه

در دنیای مدرنیته با ارائه تعاریفی جدید از دین، مثل نظریه «شباهت خانوادگی» یا بنا نهادن دین انسان ستایی توسط آگوست کنت یا افیون دانستن دین‌های رایج توسط مارکس، راه مقابله با مکاتب خداپاور به خصوص مکاتب توحیدی را پیش گرفتند و به جای اسوه قرار دادن اوصافی که در متن واقع تنیده است سراغ الگو قرار دادن هوا و هوس‌های انسانی و زودگذر رفته‌اند.

با عنایت به دنیای امروز و اینکه دنیای پست مدرن به دنبال رهایی از هر فضیلت و اخلاق و حیانی است، دنیای اسلام با عقلانیت و استدلال‌های مبتنی بر واقع در راستای نفی تفکرات غربی با استحکام و پرقدرت رو به جلو در حرکت است و این نوشته نیز با توجه به یافته‌های آن در همین راستا قدم بر می‌دارد.

از دیدگاه اسلام انسان، در نهاد خویش همواره رو به سوی کمال دارد و با اشتباهی سیری‌ناپذیر در تکاپوی صعود به مدارج کمال، تعالی و ترقی است. تکامل و حرکت استکمالی به وسیله نیروهای به ودیعت نهاده شده در سرشت کمال‌گرای آدمی و با استفاده از شرایط و امکانات خارجی انجام می‌پذیرد.

در راستای عروج به قله‌های رفیع ترقی و کمال، یکی از کاری‌ترین نیروهای فطری آدمی میل به اسوه‌پذیری؛ و یکی از امکانات خارجی، سیره و تجربه کمال یافتگان است. احساس الگوخواهی فطری و درونی از یک سو و مشاهده سیر تکاملی به کمال رسیدگان از دیگر سوی، انسان را وامی‌دارد تا برای رسیدن سریع‌تر به کمال مطلوب، روش و سیره آن تکامل‌یافتگان را الگوی خویش سازد و تلاشی آگاهانه و هدف‌دار برای ایجاد هماهنگی و انسجام رفتاری با الگوهای خویش در پیش گیرد. در این بین سبک و سیره زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دارای نکات و ظرافت‌هایی است که این پژوهش به آن می‌پردازد.

زهرا در سجاده بندگی

صحیفه تاریخ، تا به حال شاهد عبادت‌هایی بس شگفت از اولیای الهی بوده است. در میان تمامی عبادت‌ها، آنچه به صفحات تاریخ زینت و جلوهای بی‌نظیر بخشیده، عبادت‌های بانوی بزرگواری است که در اوج جوانی، مایه فخر و مباهات عابدان گردیده است. این عابده بی‌همتا، هموست که در وصف عبادتش چنین آمده است:

در تمام دنیا، عابدتر از فاطمه علیها السلام یافت نمی‌شود؛ او به حدی برای عبادت برپا می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد.^۱ آن حضرت در دوران کوتاه عمرشان، با عبادت‌هایی بی‌نظیر به فتح رفیع‌ترین قله‌های بندگی و عبودیت نایل آمدند؛ به گونه‌ای که عبادات ایشان با عبادت‌های انبیا، اولیا و دیگر دوستان خداوند، چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت، قابل مقایسه نیست:

در عظمت عبادت او همین بس که خداوند عالمیان به وصف عبادات او و یگانه کفو و همتایش، علی علیه السلام می‌پردازد.^۲ اوج عبادت آن حضرت، در آخرین آیات سوره آل عمران، از کلام خداوند رحمان، جلوه نموده است: **الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...^۳** آنان که خدای را [در همه حال؛] ایستاده، نشسته و خفته بر پهلوهاشان یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند...

عبادت فاطمه علیها السلام از لحاظ کمیت، تا بدان حد گسترده است که در لحظه لحظه زندگی او حضور و ظهور دارد؛ رفتار او، گفتار او، نگاه او، تلاش او، نفس کشیدن او و هر لحظه شب و روز او عبادت بود.^۴

۱. قال الحسن البصری: مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا أَعْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ. كَانَتْ تَقُومُ حَتَّى تَتَوَرَّمَ قَدَمَاهَا. بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۷۵، روایت ۶۲.

۲. رسول الله (صلی الله علیه وآله): وَاللَّهِ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوًا غَيْرَ عَلِيٍّ. بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۱۰۷، روایت ۲۲.

۳. آل عمران (۳): ۱۹۱، ۱۹۵.

۴. رسول الله صلی الله علیه وآله: يَا سَلْمَانَ! إِنَّ فَاطِمَةَ، مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَجَوَارِحَهَا إِيمَانًا إِلَىٰ مَشَاقِبِهَا تَفَرَّغَتْ لِعِبَادَةِ اللَّهِ.



شب ازدواج آن عابده بی‌همتا، چنین گزارش شده است:
 علی علیه السلام در آن شب همسرش را نگران و گریان دید. علت را پرسید. فاطمه فرمود: حال خود را در پایان عمر و عالم قبر به یاد آوردم؛ چرا که انتقال از خانه پدرم به منزل خودم، مرا به یاد انتقالم به قبر انداخت. تو را به خدا قسم بیا در این ساعات آغازین زندگی به نماز برخیزیم و امشب را به عبادت خدا پردازیم.^۱
 آری، فاطمه زهرا علیها السلام، این اسوه کامل و دُرّانه بانوان جهان، در شیرین‌ترین و خاطره‌انگیزترین لحظه‌های زندگی نیز از هدف خلقت خویش غافل نمی‌شود و از همسرش می‌خواهد که از آن شب نیز برای تقرب به خداوند استفاده کنند. شخصیت زهرا علیها السلام از همان شب اول چنان برای علی علیه السلام جلوه می‌یابد که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فردای آن شب از علی می‌پرسد: همسرت را چگونه یافتی؟! بی‌درنگ می‌گوید: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلٰی طَاعَةِ اللَّهِ؛^۲ بهترین یار و یاور برای اطاعت و عبودیت خداوند.

امام حسن مجتبی علیه السلام: در شب جمعه‌ای، مادرم را در محراب عبادت نظاره می‌کردم. تمام شب را به قیام و قعود و رکوع و سجود مشغول بود تا آنگاه که سپیدی صبح سر زد. می‌شنیدم که مردان و زنان مؤمن را یکایک نام می‌برد و فراوان دعایشان می‌کند؛ در حالی که هیچ دعایی برای خود نمی‌کرد. پس خدمت ایشان عرض کردم: مادر! چرا همان گونه که برای دیگران دعا می‌کنید، برای خودتان دعا نمی‌کنید. فرمود: فرزندم! ابتدا همسایه، سپس خانه.^۳

۱. فاطمه الزهرا علیها السلام: تَفَكَّرْتُ فِي حَالِي عِنْدَ ذَهَابِ عُمُرِي وَ نَزُولِي فِي قَبْرِي فَشَبَّهْتُ دُخُولِي فِي قَبْرِي بِمَنْزِلِي كَدُخُولِي إِلَى لِحْدِي وَ قَبْرِي فَأَنْشُدُكَ اللَّهُ إِنْ قُمْتُ إِلَى الصَّلَاةِ فَنَعْبُدُ اللَّهَ تَعَالَى هَذِهِ اللَّيْلَةَ... احقاق الحق: ج ۴، ص ۴۸۱.
 ۲. ثُمَّ آتَاهُمَا فِي صَبِيحَتِهِمَا فَسَأَلَ عَلِيًّا: كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ؟ قَالَ: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلٰی طَاعَةِ اللَّهِ... بحارالانوار: ج ۴۲، ص ۱۱۷.
 ۳. الامام الحسن علیه السلام: رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ قَامَتْ فِي مَحْرَابِهَا لَيْلَةَ جُمُعَتِهَا؛ فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى انْتَضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تَكْتُمُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِ شَيْءٍ فَقُلْتُ لَهَا: يَا أُمَّهُ! لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ. فَقَالَتْ: يَا بَنِي! أَلَجَارُ ثُمَّ الدَّارُ. بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۸۱، روایت ۳؛ ج ۸۹، ص ۳۱۳، روایت ۱۹.

آنگاه که فاطمه در محراب عبادت، در پیشگاه پروردگار به نماز می‌ایستد، خداوند خطاب به فرشتگانش می‌فرماید:

ملائکه من! بر بندهام فاطمه، سرور کنیزانم، نظر کنید؛ بر درگاه من ایستاده، در حالی که بندبند وجودش از خوف من مرتعش و لرزان است و با تمام قلبش به عبادت من روی نهاده است. شما را گواه می‌گیرم که شیعیان‌ش را از آتش، نجات و ایمنی بخشیدم...^۱

اما عبادت فاطمه، از لحاظ کیفیت معنوی، درخشندگی نور آن باعث حیرت و لذت ملائکه مقرب الهی می‌گردد؛ تا جایی که هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقرب الهی^۲ جملگی بر او سلام و تحیت می‌فرستند و به تأیید و تشویق او می‌پردازند.^۳

نظاره اوج مقامات معنوی فاطمه زهرا ع دیگر جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد که در سیر و سلوک به سوی حق، محدودیت جنسی وجود ندارد. زن و مرد، از جهت ارزش ذاتی و حقیقت انسانی، در پیشگاه الهی یکسانند و در سیر بندگی و امکان رسیدن به مقامات عالی معنوی هیچ مزیت و رجحانی بر یکدیگر ندارند: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً... هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک و پسندیده زنده می‌داریم...^۴

۱. رسول الله ﷺ: ... أَمَا ابْنَتِي فَاطِمَةُ... مَتَى قَامَتْ فِي مَحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رِبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهْرَ نُورِهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي! انظُرُوا إِلَيَّ أَمْتِي فَاطِمَةَ، سَيِّدَةَ أَمَانِي، فَإِنَّمَن بَيْنَ يَدَي يَرْتَعِدُ فَرَاغًا مِنْ خِيْفَتِي وَ قَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَيَّ عِبَادَتِي. أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ أَمَنْتُ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ... بحارالانوار: ج ۲۸، ص ۳۸، روایت ۱.

۲. رسول الله ﷺ: ... انْهَاجُ النَّفْسِ فِي مَحْرَابِهَا فَيَسْلَمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَيُنَادُونَهَا بِهَذَا نَادَتٍ بِهِيَ الْمَلَائِكَةُ مَرِيْمَ فَيَقُولُونَ: يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ... بحارالانوار: ج ۳۷، ص ۸۴، روایت ۵۲ و نیز ج ۴۳، ص ۲۴، روایت ۲۰.

۳. يَا فَاطِمَةُ! أَقْبَلْتُ لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّكْعَيْنِ. بحارالانوار: ج ۲۸، ص ۳۷، روایت ۱ و نیز ج ۴۳، ص ۱۷۲، روایت ۳.

۴. نحل (۱۶): ۹۷.

چنین آیاتی از قرآن کریم، خود گواه این حقیقت است که مرد و زن، به طور یکسان از جوهر انسانیت برخوردارند و در تقرب به حق هیچ تفاوتی میان ایشان نیست؛ اما در هر یک از مرد و زن توانایی و استعداد ویژه‌ای در به ظهور رسانی صفات الهی نهاده شده است. طبق آفرینش الهی، مردان در به ظهور رسانی صفات جلال و زنان در به ظهور رساندن صفات جمال آمادگی و توانایی بیشتری یافته‌اند. در روح لطیف زن استعداد ویژه‌ای برای تجلی و ظهور یک دسته خاص از صفات الهی، قرار داده شده است؛ صفاتی نظیر رحمت، محبت، عطوفت، رأفت، گذشت، کرامت، حکمت، درایت، ظرافت، لطافت و... زن، هنگامی در پرواز به سوی جمال و کمال مطلق اوج می‌گیرد که این استعداد خدادادی را در وجود خویش بشناسد، بیابد و به شکوفایی رساند.

زهرا در حجله‌گاه پوشیدگی

حجاب و عفاف کامل، دستور و توصیه خداوند مهربان به همه دختران و زنان باایمان است: *يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ ذَلِكَ آدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا*^۱ ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌های (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده توبه کنند) و خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

دستور به حجاب و عفاف نه تنها یک ضرورت اجتماعی برای حفظ عفت جامعه است، بلکه مهم‌ترین راهکار حفظ عفت، کرامت و شخصیت انسانی زنان در عرصه‌های گوناگون می‌باشد.

جلوه‌هایی بسیار زیبا و دیدنی از رفتار و گفتار فاطمه زهرا علیها السلام در عرصه حجاب و عفاف در ذیل می‌آید:

پرهیز از همه نامحرمان

مردی نابینا پس از اجازه گرفتن وارد منزل امام علی علیه السلام شد. پیامبر دیدند که حضرت زهرا علیها السلام برخاستند و فاصله گرفتند و خود را پوشاندند. پیامبر فرمودند: دخترم! این مرد نابیناست. حضرت فاطمه زهرا در پاسخ فرمودند: اگر او مرا نمی‌بیند، من او را می‌بینم؛ وانگهی اگرچه او نمی‌بیند ولی بو را استشمام می‌کند.^۱ در این هنگام رسول خدا به نشانه تصدیق بیان فاطمه فرمودند: شهادت می‌دهم که تو پاره تن منی.^۲

بهترین سیره برای بانوان

پیامبر صلی الله علیه و آله روزی از جمع مسلمانان حاضر در مسجد سؤال کردند که آیا شَيْءٌ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ؛ چه روش و سیره‌ای برای زندگانی بانوان بهتر است؟ هر کس به فراخور معرفت خویش جوابی می‌داد؛ اما هیچ جوابی پیامبر را قانع نمی‌ساخت. در این هنگام سلمان فارسی که در آن روزگار پیرمردی باوقار و پر ذکاوت و در میان آن جمع، به لحاظ ایمان و معرفت بالاتر بود، با خود اندیشید که پاسخ این سؤال دقیق از سطح عمومی اندیشه مردان فراتر است. از این روی، در بحبوحه اظهار نظرهای گوناگون، خود را به خانه زهرا علیها السلام که متصل به مسجد پیامبر بود، رسانید و پاسخ سؤال پیامبر را از یگانه دخترش جویا شد. حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ سؤال پدر فرمودند: خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِينَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ؛^۳ برای زنان بهتر است که مردان نامحرم را نبینند و مردان نامحرم نیز ایشان را نبینند.

۱. قالت فاطمه علیها السلام: إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَاتَى أَرَاهُ وَ هُوَ يَشْمُ الرِّيحَ. بحار الانوار: ج ۴۳، ص ۹۱ و ج ۱۰۱، ص ۳۸.

۲. مستدرک الوسائل: ج ۱۴، ص ۲۸۹.

۳. بحار الانوار: ج ۴۳، ص ۵۴.



سلمان به جمع حاضر در مسجد بازگشت و پاسخ را طرح نمود. پیامبر دانستند که این پاسخ از خود سلمان نیست؛ از این روی پرسیدند: این جواب را از که آموختی؟ سلمان عرضه داشت: سؤال شما را از دخترتان زهرا پرسیدم و چنین پاسخ شنیدم.

پیامبر در این هنگام فرمودند: *جُعِلَتْ فِدَاهَا أَبُوَهَا... إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي*؛ پدرش به فدایش باد... به راستی که فاطمه پاره‌ای از وجود من است.

این روایت معروف با عبارتهای مختلفی، در منابع پرشماری از کتاب‌های حدیثی، اخلاقی و تاریخی شیعه و سنی موجود است.^۱

زهرا در جلوگاه وارستگی

یکی از رازهای ماندگاری و دلربایی سیره اسوه‌های الهی، ایمان قلبی به مسلک و مرامی است که مردمان را بدان فرا می‌خوانند و اینان خود بهترین سرمشق در عرصه عمل به آن مسلک می‌باشند. اصولاً دعوت با عمل، پرنفوذترین و کارآمدترین شیوه دعوت و تبلیغ است. از این روی بین گفتار و رفتار معصومان، این برترین اسوه‌های الهی، یگانگی و هماهنگی کامل برقرار است. ایشان اگر مردم را به دوری از هواهای نفسانی و پیراستگی از مظاهر دنیا فرا می‌خواندند، خود بهترین الگوی وارستگی از دنیا و پاکی از آلودگی‌ها و هوس‌ها بوده‌اند.

فاطمه زهرا علیها السلام، در طول زندگانی خویش همواره دعوت‌کننده به سوی «رهایی از دنیا و دل‌سپاری به خدا» بود؛ اما نه دعوتی با زبان، که دعوتی با تمام وجود و در عمل؛ دعوتی که ارزش و تأثیرش در هدایت و تربیت پیروان از هزاران دعوتِ زبانی بیشتر و مؤثرتر است. سیره فاطمه الگوی بارز این شیوه

۱. بحارالانوار: ج ۱۰۱، ص ۳۶ و ج ۱۰۰، ص ۲۳۸ و ج ۳۷، ص ۶۹ و ج ۴۳، ص ۸۴

تبلیغی و تربیتی بود که: با غیر زبان‌هایتان مردم را به خوبی‌ها دعوت کنید؛ به گونه‌ای که از شما تنها تلاش، راستی و پرهیزگاری ببینند.^۱ او وارستگی از دنیا را از پدری آموخته بود که در مقام تهذیب و تزکیت دخترش می‌فرمود: دخترم! پدر و شوهر تو فقیر نیستند. خداوند، گنجینه‌های طلا و نقره زمین را به من عرضه کرد؛ ولی من آنچه را نزد پروردگارم باقی می‌ماند، برگزیدم. دخترم! اگر از آنچه که پدرت (از حقیقت دنیا) می‌داند آگاه شوی، دنیا از چشمت فرو می‌افتد.^۲

فاطمه به همراهی علی، زندگانی خویش را وقف خداوند و رضایت او کرده بود و از این روی هر آنچه به دست می‌آورد حتی جهیزیه خویش را در راه خدا انفاق می‌کرد. روزی سلمان فارسی فاطمه را با چادری ساده و پر وصله از لیف خرما می‌بیند که به دیدار پدر می‌رفت. تعجب می‌کند و گریه‌کنان می‌گوید: غم و اندوه بر ما باد! دختران پادشاهان ایران و روم بر تخت‌های طلا می‌نشینند و پارچه‌های زربفت و حریر به تن می‌کنند و این دختر محمد است که چادری ساده با دوازده وصله بر سر دارد.

وقتی فاطمه به خدمت پدر می‌رسد، شگفتی سلمان را مطرح می‌کند: ای رسول خدا! سلمان از سادگی لباس من تعجب می‌کند. سوگند به خدایی که تو را مبعوث فرمود، مدت پنج سال است که فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها شترمان بر روی آن علف می‌خورد و شب‌ها روی آن می‌خوابیم و بالش ما

۱. الامام الصادق علیه السلام: كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِالْخَيْرِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْجَهَادَ وَ اَلصِّدْقَ وَ اَلْوَرَعَ. اصول کافی: ج ۲، ص ۸۶.

۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: يَا بَنِيَّ! مَا اَبُوكَ بِفَقِيرٍ وَلَا بَعْلُكَ بِفَقِيرٍ وَ لَقَدْ عَرَضْتَ عَلَيَّ خَزَائِنُ اَلْاَرْضِ مِنَ الذَّهَبِ وَ اَلْفِضَّةِ فَاخْتَرْتُ مَا عِنْدَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ. يَا بَنِيَّ! لَوْ تَعَلَّمِينَ مَا عَلَّمَ اَبُوكَ لَسَمَّجَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنَيْكَ... بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۱۳۳.

پوستی است پر شده از لیف خرما. آنگاه رسول خدا به سلمان فرمود: همانا دخترم در زمره سبقت گیرندگان به سوی خداست.^۱

ارزش و منزلت آدمی به تجملات، تشریفات، لباس فاخر و آرایش‌های ظاهری نیست؛ بلکه ارزش انسان به تعالی روح و رنگ خدایی گرفتن است؛ چرا که رنگ خدا بهترین رنگ‌ها و زیبایی‌هاست: صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً^۲ خوشا رنگ آمیزی الهی! و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟

از نگاه زهرا محک وجود آدمیان اخلاص است؛ هرچه گوهر وجود انسان صاف‌تر و خالص‌تر، ارزش و عیار آن بیشتر و والاتر، و هرچه آدمی در بندگی و سرسپردگی خداوند خالص‌تر، مصلحت‌جویی و کفایت‌گری خداوند برای دنیا و آخرت او، بیشتر: مَنْ أَوْصَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ^۳ هر که عبادت و بندگی خالصانه خود را به سوی خدا فرافروستد، خداوند پرعزت و جلالت، برترین مصلحت (دنیا و آخرت) او را به سویش فرو می‌فرستد.

زهرا در عرصه تلاش پیشگی

در قلمرو تربیت اسلامی توجه به کارایی‌های اختیار و اراده آزاد انسان و نفی جبرهای مختلف، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. توجه به اختیارمندی آدمی بهانه‌ها را سلب کرده، احساس مسئولیت را در انسان پدید می‌آورد و انسان را به موجودی فعال، مبتکر و تلاشگر در عرصه زندگانی تبدیل می‌کند.

۱. قَالَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنْ لِبَاسِي، فَوَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَالِي وَ لَعَلِي مِنْهُ خُمْسٌ سِنِينَ إِلَّا مَسْكُ كَبِشَ تَعَلَّفَ عَلَيْهَا بِالنَّهَارِ بَعِيرُنَا وَ إِذَا كَانَ اللَّيْلُ أَفْتَرَشْنَاهُ وَ إِنَّا مَرَفَقَتَنَا لِمَنَادِمٍ حَشْوُهَا لَيْفٌ. فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: يَا سَلْمَانُ! إِنَّ ابْنَتِي لَفِي الْخَيْلِ السَّوَابِقِ. بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۸۸.

۲. بقره (۲): ۱۳۸.

۳. بحارالانوار: ج ۶۷، ص ۲۴۹.

در مقابل، مکتب‌های جبرگرا، انسان‌هایی بی‌اعتنا، غیرمسئول، خودخواه، از خود راضی و بهانه‌گیر به بار می‌آورند؛ انسان‌هایی که همیشه کم‌کاری و گناه خویش را بر گردن دیگران یا عوامل تاریخی و اجتماعی می‌اندازند.

یک مسلمان واقعی هیچ‌گاه به خود اجازه نمی‌دهد که از زیر بار مسئولیت‌ها شانه خالی کند؛ چراکه تنها راهنما و دستورالعمل زندگانی او، قرآن جاویدان، در سرتاسر آیاتش انسان را موجودی مختار و مسئول معرفی می‌کند که سرنوشت نهایی او در گرو تلاش و مسئولیت‌پذیری او در عرصه‌های مختلف است: **وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا**^۱ از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن؛ چرا که گوش و چشم و دل، همگی مورد بازخواستند.

زندگانی پر فراز و نشیب حضرت فاطمه علیها السلام از همان دوران آغازین تا فرجامین لحظه آن، با والاترین و زیباترین مسئولیت‌پذیری عجین گشته است. حضرت فاطمه علیها السلام به گواهی تاریخ از همان دوره طفولیت تا آخرین لحظه حیات پیامبر در حساس‌ترین موقعیت‌ها، بزرگ‌ترین پشتوانه روحی پیامبر بود. در سخت‌ترین و سهمگین‌ترین شرایط بحرانی به یاری پدر می‌شتافت و مهربان‌تر از هزار مادر به تیمار روح پدر می‌پرداخت و بار سنگین غصه‌ها را از دوش او برمی‌داشت.

زهرا در جبهه جهاد فرهنگی

از اساسی‌ترین کارهای پیامبران، امامان و دیگر مصلحان الهی، تلاش برای ریشه‌کنی جهل و رذالت مردمان و شکوفاسازی عقل و فطرت ایشان بوده است. هیچ جامعه‌ای در مسیر اصلاح به سامان نخواهد رسید، مگر آنکه یکایک افراد آن



از اخلاق و فرهنگی متعالی بهره‌مند گردند. از این روی در مسیر اصلاح فرد و جامعه، اصلاحات اخلاقی و فرهنگی بر دیگر اصلاحات مقدم است.

دو مقام، مربی‌گری اخلاق و معلمی قرآن، از جمله مقامات ویژه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که بعد از ایشان به ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌شود.^۱

در میان معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام جهاد فرهنگی ام‌الائم، صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَام جایگاه و منزلتی ویژه دارد؛ چرا که او دست‌پرورده مستقیم رسول خدا و استمرار وجود او است؛ علم او از علم پیامبر و سیره او همان سیره رسول خداست. او همچون پدرش، مربی اخلاق بود و معلم قرآن^۲ مقامی که تنها از آن پیامبر و اهل‌بیت پاک‌نهاد او است. او، عمری را با تلاشی بی‌امان، در نهایت مهربانی و دلسوزی به تعلیم و تبلیغ معارف دین و تربیت دین‌باوران پرداخت؛ چرا که روح او از جنس همان روحی است که خداوند رحمان در وصف او چنین می‌فرماید: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ^۳؛ به راستی که پیامبری از میان خودتان به سوی شما آمده است که رنج‌های شما بر او سخت گران است؛ سخت مایل به هدایت شماست و بر مؤمنان رؤوف و مهربان است.

زهر، میراث‌دار عطوفت و حکمت نبوی است. وجود او، همچون وجود رسول خدا، سراسر نورانیت و لبریز از عطوفت است. گفتار او همه عین حکمت و درایت و سرچشمه نور و معرفت است؛ چرا که پاره همان وجودی است که هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید و کلام او جز وحی و الهام الهی چیزی نیست.

۱. معارف قرآن (۱-۳)، آیت‌الله مصباح یزدی: ص ۵ و ۶.

۲. معارف قرآن (۱-۳)، آیت‌الله مصباح یزدی: پاورقی ص ۶.

۳. توبه (۹): ۱۲۸.

روایت ذیل که گزارشگر آن، مولای متقیان علی علیه السلام است، نماینده جلوه‌های از رحمت بی‌کرانه و تلاش خستگی‌ناپذیر فاطمه علیها السلام در مقام تعلیم و تربیت می‌باشد:

روزی یکی از زنان مدینه خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسید و گفت: مادر پیری دارم که در مسایل نماز، سؤالات فراوانی دارد و مرا فرستاده است تا آن مسایل شرعی را از شما بپرسم. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: بپرس! آن زن، مسایل زیادی طرح کرد و برای هر یک از آنها، پاسخ شنید. در ادامه گفت و شنود، آن زن از کثرت پرسش‌ها خجالت کشید و گفت: ای دختر رسول خدا! از این که فراوان خدمت می‌رسم و با سؤالاتی زیاد شما را به زحمت می‌اندازم، معذرت می‌خواهم! فاطمه علیها السلام فرمود:

باز هم بیا و هر آنچه سؤال برایت پیش می‌آید، بپرس! آیا اگر کسی اجیر شود که بار سنگینی را به بالای بام ببرد و در مقابل، صد هزار دینار طلا مزد بگیرد، چنین کاری برای او دشوار خواهد بود؟ گفت: خیر. حضرت ادامه داد: من در ازای هر مسأله‌ای که پاسخ می‌دهم، بیش از فاصله بین زمین تا عرش، جواهر و لؤلؤ پاداش می‌گیرم؛ پس سزاوار است که بر من سنگین نیاید.^۱

زهرا در پهنه وظایف خانوادگی

از نظرگاه اسلامی، خانواده، هسته مرکزی جامعه است. تشکیل خانواده، رهاوردهای پرارزشی برای مرد و زن به ارمغان می‌آورد. اولین رهاورد ازدواج، رضای صحیح نیازهای جنسی مرد و زن است. از دیدگاه اسلام تأمین درست نیازهای جنسی، نه تنها به هیچ وجه مذموم نیست بلکه عملی مقدس و پسندیده به شمار می‌آید. اسلام، دینی جامع‌نگر است و تأمین هر یک از نیازهای غریزی و

فطری انسان را تا جایی جایز می‌شمارد که ضرری به نیازهای دیگر وارد نیاورد. از این روی اسلام بی‌بند و باری و لجام‌گسیختگی‌های جنسی را روانی نمی‌داند. دومین رهاورد خانواده، پیدایش آرامش روحی - روانی در وجود هر یک از مرد و زن است: *وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا اليها...*^۱ و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید... در این آیه شریف به اثر روحی - روانی ازدواج اشاره شده است: برای شما همسرانی آفریدیم تا در کنار آنها آرامش یابید.

سومین رهاورد تشکیل خانواده، آرامشی عاطفی در سایه عشق و محبت است. در انسان، به خصوص پس از بلوغ جنسی، این احساس پدیدار می‌شود که می‌خواهد عشق بورزد و به او عشق ورزیده شود؛ دوست بدارد و دوست داشته شود. از این روی هر روز در پی کسی روان می‌شود و به او دل می‌بندد؛ اما پس از مدتی شیرازه آن دوستی در هم می‌ریزد و او با شکست‌هایی روحی و عاطفی مواجه می‌گردد.

چهارمین رهاورد تشکیل خانواده، تولد فرزند و ارضای میل مادری در بانوان و تأمین میل پدری در مردان است. با تولد فرزند، خانواده وارد مرحله جدیدی می‌شود و مسئولیتی خطیر بر دوش آن قرار می‌گیرد؛ مسئولیت تأمین و تربیت همه‌جانبه فرزند و در نتیجه مسئولیت تأمین سلامت جامعه. آینده هر جامعه‌ای در گرو اعمال این مسئولیت در خانواده‌هاست؛ چرا که سلامت هر جامعه‌ای در گرو سلامت افرادی است که در خانواده‌ها تربیت و پرورش می‌یابند. با توجه به همین فایده چهارم است که تفاوت‌ها بین وظایف و حقوق زن و مرد، پدیدار می‌شود. سه فایده اول (ارضای غریزه جنسی، آرامش روحی و آرامش عاطفی) برای هر یک از مرد و زن به طور مشترک و یکسان حاصل

می‌شود؛ اما در مورد چهارم (ارضای میل مادری و تأمین میل پدری) وظیفه و نقش هر یک از زن و مرد با یکدیگر تفاوت می‌یابد.

نقش مادر در این عرصه، به طور طبیعی تولید، شیردهی و تحمل رنج‌های طاقت‌فرسای پرورش فرزند است؛ نقشی که تنها از عهده مادر بر می‌آید و قابل انتقال به مرد نیست.

مادران می‌باید آرامش کامل روحی - روانی داشته باشند تا بتوانند فرزندان سالمی به دنیا آورند و پرورش دهند؛ از این روی وظیفه تأمین نیازهای اقتصادی خانواده باید بر عهده مرد نهاده شود تا زنان دچار خستگی‌های ناشی از کار و فعالیت روزانه برای کسب درآمد نشوند. بنابراین باید تفاوت‌های تکوینی مرد و زن در گستره به ثمر رسانی خانواده (تولد و پرورش فرزند) در حقوق و تکالیف پدر و مادر تأثیر بگذارد. در این عرصه باید حقوقی به نفع زن در نظر گرفته شود و حداقل، بار تأمین اقتصادی زندگی از دوش او برداشته شود تا بتواند به وظایف خویش در مقام همسری و مادری به بهترین نحو عمل کند.

اگر طبق ارزش‌گذاری‌های اسلام چنین امتیازاتی برای زن در نظر گرفته نشود، اولین جایی که به زن ظلم می‌شود، داخل خانه خواهد بود.

تفاوت‌هایی که اسلام میان وظایف و حقوق زن و مرد قائل شده است، جملگی برخاسته از اختلاف‌های تکوینی آن‌هاست که رعایت این تفاوت‌ها برای سلامت و استواری شیرازه خانواده و در نتیجه سلامتی جامعه بسیار لازم و ضروری است. اینجاست که بر اساس تفاوت استعدادهای تکوینی مرد و زن، بحث چگونگی تقسیم وظایف پیش می‌آید.

تقسیم کار در خانواده

در باور جامعه‌شناسان، ضروری‌ترین عامل در استواری هر کانون انسانی، «تقسیم کار» است. تمدن انسانی از احساس نیاز به تقسیم کار شروع می‌شود. جامعه‌ای را می‌توان متمدن نامید که هر یک از افراد آن عهده‌دار وظیفه‌ای ویژه



باشند؛ به گونه‌ای که در نهایت، بازده و ثمره همه کارها بین همه افراد آن جامعه به عدالت و انصاف توزیع گردد.

اولین تقسیم کار در کوچک‌ترین واحد اجتماعی، یعنی خانواده صورت می‌پذیرد. چگونگی تقسیم وظایف میان مرد و زن در عرصه کوچک خانواده، زیربنای تقسیم‌بندی‌های دیگر در پهنه وسیع جامعه می‌گردد. از این روی بحث از چگونگی تقسیم کار در گستره خانواده جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد.

در تعیین چگونگی تقسیم کار، بیش از هر چیز می‌باید به استعدادها و تکوینی مرد و زن نظر داشت و چنین دقت نظری بدون بهره‌گیری از افق برتر و حی امکان‌پذیر نخواهد بود؛ چرا که عقل کوتاه‌اندیش بشر به تنهایی و بدون الهام از خالق، هرگز نخواهد توانست استعدادها و شگفت‌نهاد شده در ضمیر آدمی را باز شناسد. از این روی در تعیین الگوی تقسیم کار در عرصه خانواده باید به دنبال نمونه‌هایی بود که پشتوانه‌هایی و حیانی دارند. با نظر به این نکته، به سیره زندگانی بهترین اسوه‌های الهی روی می‌آوریم تا جست‌وجوگر کامل‌ترین شیوه در گستره تقسیم کارهای خانوادگی باشیم.

زندگی مشترک علی و فاطمه علیها السلام کامل‌ترین اسوه در مسائل خانوادگی است. آنچه در خانه زهرا علیها السلام صورت می‌پذیرفت، جملگی از حکمت بی‌کران الهی الهام گرفته بود. تقسیم کار در این خانه نورانی از علم و حکمت نبوی سرچشمه می‌گرفت: تدبیر کارهای منزل بر عهده زهرا علیها السلام و تدبیر امور بیرون منزل بر دوش علی علیه السلام.

آن هنگام که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین تقسیم کاری را به علی و زهرا علیها السلام پیشنهاد فرمود، فاطمه خوشحالی و رضایت خویش را این‌گونه ابراز نمود:

جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه مسرور و خوشحال شدم؛ چرا که رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، باز داشت.^۱

طرح پیشنهادی رسول خدا ﷺ بیش از هر چیز ناظر به استعدادهای طبیعی و تکوینی هر یک از مرد و زن است؛ طرحی که در عرصه وظایف خانوادگی، نه زن‌سالاری را تجویز می‌کند نه مردسالاری را؛ بلکه دربردارنده تقسیم کاری عادلانه در سایه‌سار ایثار و صمیمیت است.

در زمان پیامبر اکرم ﷺ چشم‌های خطایب‌بنی گمان می‌کردند زن در عرصه خانواده، موظف به انجام هر گونه خدمتی است. خطا بودن این نگرش را پیامبر با این بیان نورانی گوش‌سزد فرمودند: *الْمَرْأَةُ رِيْحَانَةٌ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ*؛ زن گلی خوش‌بوست، نه قهرمانی نیرومند.

این فرمایش پیامبر که بر اساس لطافت‌های تکوینی روح و جسم زن استوار گشته است، زن را در عرصه خانواده چون گلی خوش‌رنگ و بو می‌شمارد که به ملاحظت و مراقبت نیازمند است. البته گل بودن زن در کانون خانواده است؛ نه در میدان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ...

همسر‌داری زهرا علیها السلام

مردان در بسیاری از موفقیت‌های مادی و معنوی، وامدار همسرانشان می‌باشند. این بانوان هستند که می‌توانند با درایت، کیاست، گذشت و رفتار شایسته خویش، کانون خانواده را به بهشتی از شور، نشاط، صمیمیت و صفا مبدل سازند و از این رهگذر زمینه موفقیت و پیشرفت زندگی مشترکشان را در همه عرصه‌های مادی، معنوی، فردی و اجتماعی فراهم آورند.

1. قالت فاطمه علیها السلام: *فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِإِثْقَانِي رَسُولُ اللَّهِ تَحْمَلُ رِقَابَ الرِّجَالِ*. بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۸۱ و ۳۱.

۲. بحارالانوار: ج ۱۰۳، ص ۲۵۳. شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید: ج ۲۰، ص ۳۱۳



بنابراین بانوان به هر میزان که در فراهم‌آوری محیطی آرام، باصفا، پرنشاط و صمیمی در کانون خانواده تلاش کنند، به همان میزان در فضیلت و ثواب عبادت‌ها و فعالیت‌های شوهرانشان شریک خواهند بود. از این روی بانوان نه تنها از فضایل بر شمرده مردان محروم نیستند، بلکه می‌توانند از رهگذر تلاشی مخلصانه در کانون خانواده در همه فضایل آنان شریک شوند و حتی بر ایشان سبقت گیرند و به ثوابی دست یابند که مردان از آن محروم باشند؛ چرا که ارزش هر عملی در گرو درجه اخلاص آن است.

ممکن است نیت مرد ناخالصی داشته باشد؛ اما همسرش با نیتی پاک و برای تحصیل رضای خداوند با خوش‌رفتاری و از خودگذشتگی، محیطی انرژی‌بخش و روح‌افزا در خانواده فراهم آورد و در سایه این تلاش مخلصانه، هم در ثواب عبادات و فعالیت‌های همسر شریک شود، هم به ثوابی عظیم از رهگذر اخلاصش دست یابد.

«شوهرداری» یک فن و هنر است؛ هنری که بیش از هر فن و هنر دیگری محتاج ظرافت، دقت، درایت و کیاست است. بانوان برای موفقیت در این عرصه خطیر، بیش از هر چیزی به یافتن اسوه‌ای جامع نیاز دارند تا با اقتدای همه‌جانبه به سیره عملی او به بهترین شکل عمل کنند. در عرصه این هنر، اسوه‌ای یگانه‌تر و جامع‌تر از فاطمه زهرا علیها السلام پیدا نمی‌شود.

فاطمه علیها السلام از آن هنگام که قدم به خانه شوهر نهاد، روحیات و موقعیت ویژه همسرش را با کمال کیاست دریافت و به زودی توانست خود را با شرایط خاص مادی و معنوی شوهرش سازگار کند. رفتار این برترین بانوی جهان در عرصه شوهرداری چنان در اوج صفا، مهربانی، همراهی، همدردی و دلسوزی

است که تنها یک نگاه مهرانگیز او کافی بود تا تمام خستگی‌ها و گرفتگی‌ها از روح و جسم همسرش به در آید.^۱

در سیره این بانوی یگانه است که هنر ظریفی چون «جلب رضایت و خشنودی همسر» جامع‌ترین مصداق خود را می‌یابد؛ تا جایی که همسرش در شأن او می‌فرماید: به خداوند سوگند!... زهرا تا آن زمان که خداوند او را به سوی خود بُرد، مرا ناراحت نساخت و عملی انجام نداد که مرا ناخشنود کند.^۲

جلوه‌هایی بسیار زیبا از زندگانی دُرَدانه بانوان، وجود دارد که پرداختن به آن‌ها مجال بسیار وسیع و جداگانه می‌طلبد؛ جلوه‌هایی چون: اوج ادب و همراهی با شوهر، توجه کامل به روحیات معنوی و مسؤولیت‌های ویژه همسر، کمال ایشار و از خودگذشتگی در مقابل همسر، اوج خوش رفتاری و خوش گفتاری با شوهر، تجهیز روحی روانی همسر برای جهاد، آلوده‌سازی خاطر همسر در عرصه تهذیب و پرورش فرزندان، تحمل و صبر در مقابل کمبودهای مادی، کمک به خودکفایی و استقلال اقتصادی خانواده و ...

در طول ده سالی که پیامبر در مدینه بودند، حدود نُه سالش حضرت زهرا و حضرت علی علیه السلام با همدیگر زن و شوهر بودند. در این نُه سال، جنگ‌های کوچک و بزرگی ذکر کرده‌اند (حدود شصت جنگ اتفاق افتاده)، در اغلب آن‌ها امیرالمؤمنین هم بوده است. حالا شما ببینید، او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ می‌ماند- این قدر جبهه وابسته به او است- از لحاظ زندگی هم وضع رو به راهی ندارند؛ همان چیزهایی که شنیده‌ایم: **وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا**

۱. امام علی علیه السلام: **وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَىهَا فَتَنَكَّشَفُ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ؛** هرگاه که به چهره‌اش می‌نگریستم، تمام غم و اندوهم برطرف می‌شد. کشف الغمّة: ج ۱، ص ۴۹۲.
۲. الامام علی علیه السلام: **فَوَاللَّهِ مَا أَعْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبِضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا أَعْضَبْتَنِي وَلَا عَضَبْتُ لِي أَمْرًا.** کشف الغمّة: ج ۱، ص ۴۹۲.



نُطْعِمُكُمْ لَوْجَهَ اللَّهِ؛ یعنی حقیقتاً زندگی فقیرانه محض داشتند. در حالی که دختر رهبر است، دختر پیامبر است، یک نوع احساس مسؤولیت هم می‌کند. ببینید انسان چه روحیه قوی‌یی باید داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند، دل او را از وسوسه اهل و عیال و گرفتاری‌های زندگی خالی کند، به او گرمی بدهد، بچه‌ها را به آن خوبی تربیت کند. حالا شما بگویید امام حسن و امام حسین، امام بودند و طینت امامت داشتند؛ زینب که امام نبود. فاطمه زهرا علیها السلام این‌گونه خانه‌داری، شوهرداری و کدبانویی کردند و این طور محور زندگی فامیل ماندگار در تاریخ قرار گرفتند. آیا این‌ها نمی‌تواند برای یک دختر جوان، یک خانم خا‌نهدار یا مشرف به خانه‌داری الگو باشد؟ این‌ها خیلی مهم است.¹



1. از فرموده‌های مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان، ۷/۲/۱۳۷۷. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان در بیانات مقام معظم رهبری: ص ۲۰ و ۲۱.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ناشر: دار إحياء التراث العربی، مکان چاپ: بیروت، سال چاپ: ۱۴۰۳ ق، نوبت چاپ: دوم.
۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، مکان چاپ: قم، سال چاپ: ۱۴۰۸ ق.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ناشر: دار الکتب الإسلامية، مکان چاپ: تهران، سال چاپ: ۱۴۰۷ ق، نوبت چاپ: چهارم.
۴. محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن: خدائشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی / قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۹۱.
۵. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفی، مکان چاپ: قم، سال چاپ: ۱۴۰۴ ق، نوبت چاپ: اول.
۶. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ناشر: بنی هاشمی، مکان چاپ: تبریز، سال چاپ: ۱۳۸۱ ق، نوبت چاپ: اول.
۷. مصباح یزدی، محمدتقی، جامی از زلال کوثر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، انتشارات، ۱۳۸۸.



